



بیانات در دیدار فعالان و برگزیدگان بخش‌های اقتصادی - 26 / مرداد / 1390

بسم الله الرحمن الرحيم

اولاً خیلی خوش آمدید دوستان عزیز و فعالان محترم بخش‌های گوناگون اقتصادی کشور. جلسه‌ی امروز ما از يك جهت، جلسه‌ی نمادین است؛ نماد اهتمام نظام به مسئله‌ی اقتصاد در شرائط کنونی حساس جهان و منطقه و کشور. در درجه‌ی اول، ما این را می‌خواستیم. ما خواستیم يك روزی از روزهای ماه رمضان صرف این بشود که مجموعه‌ی فعالان اقتصادی در بخش‌های دولتی، در بخش‌های خصوصی، در رشته‌های گوناگون، اینجا تشریف بیاورند و بنشینیم، ساعتی از آنها بشنویم و این در کشور منعکس بشود، تا این نشانه‌ی این باشد که امروز نظام به مسئله‌ی اقتصاد و تحرك اقتصادی و پیشرفت اقتصادی باید به شکل جدی اهتمام بورزد و دولت - دولت به معنای عام، یعنی حکومت - و مردم باید در این زمینه همکاری و تلاش کنند، به دلائلی که اشاره خواهم کرد.

البته مجری محترم گفتند: نمایندگان بخش‌های گوناگون. باید گفت برگزیدگانی از بخش‌های گوناگون؛ چون انتخاباتی انجام نگرفته که حالا بگوئیم نماینده؛ اما بحمدالله در همه‌ی بخش‌ها، مغزهای متفکر و شخصیت‌های برجسته حضور دارند و برگزیدگانی از آنها به شکل گلچینی در این جلسه حاضر هستند. خب، این مسئله‌ی اول است؛ این حاصل شد، و این جلسه منعکس خواهد شد. این پیامی است به همه؛ هم به مسئولین دولتی در بخش اقتصاد، هم به فعالین اقتصادی در سرتاسر کشور، هم به آحاد مردم، که ما امروز باید به مسئله‌ی اقتصاد اهتمام بورزیم و بپردازیم. نکته‌ی دومی که تشکیل این جلسه توانسته و ظرفیت آن را داشته که تحقق ببخشد و الحمدالله همین هم شد، این است که گزارشی از زبان غیر دولتی‌ها درباره‌ی حقایق کشور، پیشرفتهای کشور، تحرکی که وجود دارد، داده بشود و به سمع و نظر مردم برسد. نه اینکه من معتقد باشم که باید دائماً پیشرفتها را گفت؛ نه، نظر من را همه میدانید؛ من معتقدم نقاط مثبت و منفی در کنار هم باید دیده بشود؛ لیکن آنچه که به نظر من امروز اهمیت دارد، این است که مردم کشور بدانند که همت آنها، همت مسئولین، ظرفیتهای گوناگون عظیم انسانی در کشور چه فرآورده‌ای داشته. این را من به شما عرض کنم؛ من با مردم مرتبطم؛ مردم این پیشرفتها را نمیدانند. همین چیزهائی که شما الان اینجا در زمینه‌های مختلف گفتید - که من خلاصه‌ی اینها را یادداشت کردم و گزارش مشروحش هم ان‌شاءالله تدوین خواهد شد - اینها را اغلب مردم اطلاع ندارند. ما شاهد هستیم که در کشور کارهای بزرگی دارد انجام میگیرد؛ این افتخارش مال ملت ایران است. افتخار، متعلق به ملت ایران است. این مردمانند که دارند میکنند، این مغزهای متفکرند که دارند کار انجام میدهند، این شخصیت‌های گوناگون علمی و فنی و عملی و اقدام‌کنندگان و طراحان هستند که این همه افتخارات را در کشور دارند می‌آفرینند. ما در بخش تولید، در بخش خدمات، در بخش کشاورزی، در بخش صنعت، در بخش صنایع دانش‌بنیان و بخش‌های گوناگونی که اینجا گفته شد، پیشرفتهای خوبی داشتیم. خوب است که مردم اینها را از زبان مسئولان بخش‌های گوناگون غیردولتی و کسانی که وابستگی به دولت ندارند، بشنوند؛ این، مردم را امیدوار میکند، خوشحال میکند.

همه‌ی ما این را توجه داشته باشیم که امروز یکی از شگردهای جنگ روانی دشمنان ملت ایران، ناامید کردن مردم است؛ من به این نکته توجه دارم، من روی این مسئله اصرار دارم. می‌خواهند نسل جوان ما و نسل فعال ما و عناصر محرك این کشور را - که یقیناً يك امتیاز میانگینی نسبت به همه‌ی دنیا دارند - از کار بیندازند؛ یکی از راه‌هایش همین است که مأیوس کنند، بگویند آقا فایده ندارد، کاری نشده، کاری نمیشود.

البته نقاط منفی هم گفته بشود، کمبودها هم گفته بشود، نواقص هم گفته بشود؛ منتها با زبان و لحن علاج‌جویانه. خیلی فرق میکند لحن بیان در ذکر کمبودها. این لحن، ناامیدکننده و نابودکننده‌ی همت و تلاش نباشد. باید احساس شود که ما از این صد درجه، چهل درجه پیش رفتیم؛ برای شصت درجه‌ی دیگر هم زمینه آماده است. البته این



شصت درجه الان مفقود است؛ بیائید آن را تأمین کنیم. لحن بیان کمبود شصت در مقابل پیشرفت چهل، باید اینگونه باشد. خب، این جلسه خوشبختانه این مقصود را هم برآورده کرد.

من فقط چند تا نکته‌ی کوتاه را عرض میکنم. يك مسئله این است که ما امسال را «سال جهاد اقتصادی» اعلام کردیم. سیاست استکباری، زمین زدن ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی از راه اقتصاد است. تحریمها گرچه بهانه‌اش مسئله‌ی انرژی هسته‌ای است، اما دروغ میگویند؛ عامل طرح مسئله‌ی تحریمها، انرژی هسته‌ای نیست. شاید یادتان هست، تحریمهای عمده‌ای که سرآغاز تحریمهای این کشور بود، آن وقتی بود که اصلاً نامی از مسئله‌ی هسته‌ای در این کشور نبود؛ که حالا آن رقم معروفش که البته خیلی تحریم مهمی نبود، اما چون معروف است به تحریم «داماتو» - که کسی به این نام در کنگره‌ی آمریکا مطرح کرد و دنبالش را گرفتند - مال وقتی است که اصلاً مسئله‌ی انرژی هسته‌ای مطرح نبود. هدف تحریمها، فلج کردن اقتصادی است. البته این افتخار را ملت ایران دارد که سی و دو سال است دارد این تحریمها را تحمل میکند.

البته توسعه‌ی تحریمها و تنوع تحریمها در سالهای اخیر بیشتر بوده، لیکن در مقابل توسعه و تنوع فعالیتهای سازنده در کشور، کوچک و ناچیز است. سی سال پیش که تحریمها را علیه ما شروع کردند، آن تحریمها ممکن بود علیه ما کارگتر واقع بشود تا تحریمهایی که امروز علیه ما دارند تصویب و اجرا میکنند و همین طور هی وعده هم میدهند که بیشترش خواهیم کرد. این معنایش این است که ما در مقابل تحریمها تدریجاً يك حالت ضدضربه پیدا کردیم؛ میتوانیم به شکلهای مختلف با تحریمها مقابله کنیم: یا با دور زدن تحریمها - که شگرد خوب و جالب و ظریفی است و خوب است که دولت و ملت این شگرد را به کار ببرند - یا از جهت رو آوردن به ظرفیتهای درونی‌ای که کار بنیادی و زیربنائی است و حتماً باید انجام بگیرد و تا حالا هم انجام گرفته. پس هدف دشمن، زمین زدن جمهوری اسلامی است؛ یعنی زمین زدن ایران اسلامی؛ یعنی زمین زدن ملتی که با حضور خود، با پشتیبانی خود، با حمایت خود، این نظام را تا امروز پیش برده و رشد داده و رونق داده. بنابراین بایستی در مقابلش مجهز بود. جبهه‌ی مقابل را باید شناخت، ابزار و سلاح او را باید شناخت و ضد آن سلاح را باید آماده کرد؛ این جهاد اقتصادی میخواهد. جهاد یعنی چه؟ هر تحرکی اسمش جهاد نیست. تحرکی با خصوصیات اسمش جهاد است. یکی از خصوصیات این تحرك که اسمش جهاد است، این است که انسان بداند این در مقابل دشمن است؛ یعنی بداند در مقابل يك حرکت خصمانه و غرض‌آلودی است که دارد انجام میگیرد. حرکتی که در مقابل يك چنین جهتگیری خصمانه وجود دارد، یکی از شرائط اصلی جهاد است.

جهت دومی که در مفهوم جهاد حتماً بایستی ملاحظه بشود، استمرار و همه‌جانبگی است، هوشمندانه بودن است، مخلصانه بودن است. اینجور تحرکی اسمش جهاد است. بنابراین جهاد اقتصادی یعنی حرکت مستمر همه‌جانبه‌ی هدفدار ملت ایران با نیت خنثی کردن و عقیم کردن تلاش خصم‌آلود و غرض‌آلود دشمن. نکته‌ی دیگر این است که ما در سند چشم‌انداز - که يك سند اساسی بالادستی مهم و مرجع است - برای کشورمان رتبه‌ی اول را در بخشهای مهم و حیاتی و اساسی پیش‌بینی کردیم؛ باید به این رتبه برسیم. خب، دیگران طبعاً نمی‌ایستند تا ما برویم اول بشویم؛ دیگران هم دارند کار میکنند، تلاش میکنند. ما شاهد تلاش و تحرك شدید اقتصادی برخی از کشورهائی هستیم که در همین حوزه‌ی اول شدن ما واقع هستند. البته ما از بعضی از ابزارهائی که آنها استفاده میکنند، استفاده نمیکنیم و نخواهیم کرد؛ ما نظیف‌تر و شریف‌تر و نجیبانه‌تر حرکت میکنیم؛ اما معتقدیم میشود به آن مرحله‌ی اول رسید، اگر سرعت را بیشتر و منضبط‌تر بکنیم. لذا این احتیاج دارد به جهاد. هم باید شتاب باشد، هم باید تدبیر باشد تا بتوانیم به این رتبه‌ی اول برسیم. این رتبه‌ی اول بودن هم فقط يك هوس نیست که بگوئیم اول بشویم؛ نه، این به خاطر این است که سرنوشت ملتها امروز به این وابسته است. اگر يك کشوری نتواند از لحاظ اقتصادی، از لحاظ علمی، از لحاظ زیرساختهای پیشرفت، خودش را تأمین کند و رشد پیدا



کند، بیرحمانه مورد تجاوز قرار خواهد گرفت. ما نمیخواهیم مورد تجاوز قرار بگیریم. دویست سال کشور ما مورد تعرض و تجاوز قرار گرفته. ضعف دستگاه‌های سلطنتی بی‌عرضه‌ی نالایق فاسد دنیا طلب، و نشاطی که در طرف مقابل وجود داشت، باعث این تجاوز شد. از سال 1800 انگلیس‌ها اول‌بار در دستگاه سیاسی کشور ما وارد شدند و دخالت کردند و نفوذ کردند و یارگیری کردند و همراه آنها یا قریب به آنها، بعضی از کشورهای دیگر اروپائی هم در این مدت همین کار را کردند. سال 1800 که اولین سفیر انگلیس وارد کشور شد - که از هند هم آمد؛ یعنی آن وقتی بود که حکومت هند در اختیار انگلیس‌ها بود و نایب‌السلطنه در آنجا بود - از همان بوشهر که از کشتی پیاده شد، شروع کرد به رشوه دادن و خریدن افراد، و راحت توانست افراد را خریداری کند. این همه شاهزاده و امیر و اسم‌های دهن‌پرکن، همه در مقابل هدایای این آقا خاضع و تسلیم شدند! روند تجاوز دشمنان در این کشور، از آن زمان شروع شد. این خاک نرم و خاکریز بی‌بنیاد ملی آن روز اجازه داد دشمن نفوذ کند، و نفوذ کردند. ما نمیخواهیم دیگر این ادامه پیدا کند. انقلاب یک سد پولادینی در مقابل اینها درست کرده. ما میخواهیم این سد را مستحکم‌تر کنیم.

به هیچ قیمتی اجازه ندهیم اینها در اقتصاد ما، در فرهنگ ما، در سیاست ما، در سرنوشت و مقدرات ما دخالت کنند؛ این احتیاج دارد به این که استحکام درونی و داخلی پیدا کنیم. این استحکام درونی، یکی از پایه‌های مهمش «اقتصاد» است. بنابراین اینکه می‌گوئیم اول بشویم، به خاطر این است؛ نه به خاطر اینکه حالا یک هوسی است که ایران در منطقه اول بشود؛ نه، سرنوشت ملت به این وابسته است. بنابراین تلاش مستمر، هوشمندانه، مخلصانه و اثرگذار، که طبعاً همه‌ی ظرفیت کشور هم باید در آن به کار گرفته شود، در این زمینه مؤثر است. ظرفیت کشور، خیلی حقیقت درخشان و مهمی است. ظرفیتهای کشور، فوق‌العاده است. ظرفیت منابع انسانی ما جزو ظرفیتهای ممتاز در سطح جهان است؛ این ظرفیت را باید بالفعل کرد و باید به کار گرفت؛ ما داریم این را مشاهده می‌کنیم. البته من از چند ده سال قبل میشنفتم از افرادی که مطلع بودند - یا از لحاظ علمی، یا از لحاظ تجربه‌ی مشاهده‌ی بعضی از دستگاه‌های علمی دنیا - که میگفتند استعداد ایرانی‌ها و ظرفیت فکری آنها از متوسط دنیا بیشتر است. خب، ما این را شنیده بودیم؛ بعد در پیشرفت مسائل کشور در دوران انقلاب، این را داریم تجربه می‌کنیم و می‌بینیم. حالا به مسئله‌ی سدسازی اشاره کردند. آنچه که در مسئله‌ی سد در کشور اتفاق افتاده، قبل از انقلاب هیچ کس آن را باور نمی‌کرد. حالا ایشان سد را مثال زدند؛ در خیلی از بخشها همین جور است. آنچه که الان در پیشرفتهای علمی بخشهای مختلف کشور اتفاق افتاده، یک روزی با قسم حضرت عباس هم برای کسی باورکردنی نبود؛ امروز داریم جلوی چشمان می‌بینیم. من این را به تجربه و با آشنائی با بخشهای مختلف دریافتم که هیچ موردی نیست که در کشور زیرساخت آن آماده باشد و جوان ما نتواند آن مورد را خلق کند و به وجود بیاورد. همه‌ی بخشهای گوناگون علمی، از ظریف‌ترین‌ها و دقیق‌ترین‌ها تا کلان‌ترین‌ها، اینجور است؛ مگر زیرساختش آماده نباشد. ما در کشور، یک چنین ظرفیت انسانی‌ای داریم. خب، این خیلی مهم است.

ظرفیت اقتصادی ما هم خیلی مهم است. من یک وقتی گفتم نسبت معادن و منابع مهم حیاتی ما در قبال نسبت جمعیت ما به جمعیت کره‌ی زمین، بالاتر است. ما تقریباً یک درصد جمعیت کره‌ی زمین هستیم - کمااینکه کشورمان هم تقریباً یک درصد مجموعه‌ی سطح کره‌ی زمین است - خب، ما یک درصد منابع حیاتی و اساسی را باید داشته باشیم؛ که در جاهائی 3 درصد، 4 درصد، 5 درصد داریم. اینها ظرفیتهای مهمی است، اینها خیلی باارزش است.

همین کمبود آب هم که در کشور مطرح است و درست هم هست - ما کشور کم‌آبی هستیم - با طرحهای علمی فنی هوشمندانه کاملاً قابل برطرف شدن است؛ که بعضی از دوستان هم اینجا اشاره کردند، بنده هم قبلاً این را گفته‌ام. با یک مقدار مذاقه، یک مقدار پیشرفت، در همین زمینه هم که ما کمبود داریم، میتوانیم این کمبود را جبران



و برطرف کنیم. بنابراین واقعاً کشور از لحاظ منابع طبیعی هم ظرفیت فوق العاده‌ای دارد. از لحاظ موقعیت جغرافیائی و منطقه‌ای هم همین جور است. ما جای حساسی قرار گرفته‌ایم. همسایگی ما با دو دریا و ارتباط با دریاهای آزاد و منطقه‌ی حساسی که بین شرق و غرب، یعنی بین آسیا و اروپا وجود دارد - ما در یکی از مهمترین بخش این منطقه‌ی حساس قرار گرفته‌ایم - دسترسی ما را به غرب و به شرق فراهم میکند. اینها همه‌اش امتیازات است. اینها ظرفیتهای کشور است؛ باید این ظرفیتهای را بالفعل کنیم؛ این احتیاج به تلاش دارد. خب، از دوران بیست ساله‌ی چشم انداز - همین طور که اشاره شده - حدود یک چهارمیش گذشته. یک برنامه، که برنامه‌ی چهارم توسعه باشد، تمام شده؛ امسال سال اول برنامه‌ی پنجمیم. البته در برنامه‌ی چهارم خیلی کارها انجام گرفته. طبق گزارشهایی که دادند و شنیدید و این گزارشها درست هم هست، کارهای بسیار مهمی انجام گرفته؛ لیکن در عین حال برخی از کارها هم هست که انجام نگرفته و باید انجام بگیرد. سیاستگذاری‌ها درست است. سیاستهای اعلام شده در حوزه‌ی اصلاح الگوی مصرف، سیاستهای کلی نظام اداری، سیاستهای کلی اشتغال و سیاستهای اصل 44 - اینهایی که ابلاغ شده - همه‌اش با هم هماهنگ است. اگر بتوانیم برنامه را بر طبق این سیاستها تنظیم کنیم و پیش ببریم و در عالم واقعیت تحقق پیدا کند، ما خیلی خواهیم توانست از این ظرفیتی که اشاره کردم، استفاده کنیم. این سیاستها یک انسجامی را به وجود می‌آورد و انسجام لایه‌های مختلف تحرك اقتصادی را تأمین میکند.

البته در برنامه‌ی چهارم، برخی از هدفهایی که تعیین شده بود، تحقق پیدا نکرد، که عوامل گوناگونی هم داشته؛ هم مسائل داخلی دخالت داشته، هم مسائل خارجی دخالت داشته. مسئله‌ی رشد 8 درصدی، یا کاهش بیکاری، یا درصد سرمایه‌گذاری‌ای که تعیین شده بود، یا مسئله‌ی کاهش تورم - که من آن روز هم اشاره کردم - تحقق پیدا نکرده. این مسئله ایجاب میکند که ما در دوره‌ی پنجساله‌ی این برنامه تلاشمان را مضاعف کنیم، همتان را مضاعف کنیم تا بتوانیم آن کمبودهای قبلی را هم جبران کنیم. البته ما در اعلام و ابلاغ سیاستهای اصل 44 يك هدف بزرگی را در نظر داشتیم و داریم که باید ان شاءالله دنبال شود. طبق منطق خود آن اصل، ما بایستی در زمینه‌ی مالکیت دولت و فعالیت اقتصادی دولت تجدید نظر میکردیم، و این تجدید نظر انجام گرفت. با چه هدفی؟ با هدف ایجاد يك اقتصاد رقابتی با حضور بخش خصوصی و سرمایه‌ی بخش خصوصی در عرصه‌ی اقتصاد کشور. محاسبه کردند که مبلغ مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری در این پنج سال، سالی حدود 160 میلیارد دلار است. این از عهده‌ی دولت برنمی‌آید؛ حتماً بایستی بخش خصوصی وارد شود و همکاری کند؛ این باید تحقق پیدا کند.

در زمینه‌ی اجرای سیاستهای اصل 44 کارهای خوبی انجام گرفته، لیکن کافی نیست؛ بایستی تحرك بهتری انجام بگیرد. مسئله فقط این نیست که ما بنگاه‌های اقتصادی را واگذار کنیم و بگوئیم واگذار شد، خودمان را خلاص کردیم؛ در کنار این واگذاری، کارهای دیگری لازم است: بایستی بخش خصوصی توانمند بشود، باید امکان مدیریت خوب پیدا کند، نظارت برای جلوگیری از سوءاستفاده باید انجام بگیرد.

همیشه در کنار فعالیتهای سالم، فعالیتهای ناسالم هم وجود دارد. بنده چند سال است که روی مفاسد اقتصادی تأکید میکنم. آن وقتی که من این مسئله را مطرح کردم، يك عده‌ای به ما مراجعه میکردند که آقا شما روی مسئله‌ی مفاسد اقتصادی اینقدر تکیه میکنید، ممکن است فعالان اقتصادی ما را از ورود در عرصه‌ی فعالیت اقتصادی بترساند. من گفتم بعکس، آنها را تشویق میکند. اگر فعال اقتصادی که میخواهد نان حلال دربیاورد و کار حلال و مطابق وجدان و شرع انجام بدهد، بداند که دستگاه با افراد متخلف برخورد میکند، او بیشتر تشویق میشود. ما با مفسد مخالفیم، با ایجاد کننده‌ی مفسده مخالفیم، با سوءاستفاده کننده مخالفیم. فعال اقتصادی که با وجود خودش، با فکرش، با پولش، با سرمایه‌گذاری‌اش، با کارآفرینی‌اش دارد به کشور کمک میکند، باید مورد تشویق و

تقدیر قرار بگیرد، و بگیرد. بنابراین مبارزه‌ی با مفاسد اقتصادی حتماً يك ركن اساسی كار است كه بایستی انجام بگیرد.

اینجا خوشبختانه همه یا اغلب وزرای اقتصادی و فعالان اقتصادی دولت در جلسه هستند. خب، مطالب نطق کنندگان را شنیدند؛ هم آن بخشهایی كه مثبتات را ذكر ميكرد، هم آن چیزهایی كه پیشنهادهای را بیان ميكرد، كه حاکی از وجود نواقص بود. من خواهش ميكنم آنچه را كه شنیدند، با دقت مورد توجه قرار بدهند و روی آنها مذاقه كنند. نگذاریم حرف گفته بشود و در همین جلسه هم تمام بشود. حالا اگرچه آقای توكلی گله داشتند كه چرا منفی‌ها را نگفتید؛ اما چرا، وقتی پیشنهاد ميكند كه این كار انجام بگیرد، یعنی انجام نگرفته؛ بنابراین نشان دهنده‌ی برخی از نواقص و مشكلات است. اگر به همین پیشنهادهای توجه كنند، دقت بكنند، همین پیشنهادهای به نظر من پیشنهادهای خوبی بود و قابل بررسی است.

حرف در این زمینه زیاد است، من فقط دو سه تا توصیه ميكنم؛ بخشی توصیه به دستگاه‌های مسئول دولتی است، بخشی هم عمومی است. اول، مسئله‌ی اجرای كامل سیاستهای حمایتی از بخش تولید است. تولید، اساس اقتصاد است؛ قائمه‌ی اقتصاد در كشور است. در مسئله‌ی هدفمندی یارانه‌ها و فعالیت عظیمی كه دولت در این زمینه شروع کرده، حتماً حمایت از بخش تولید ملاحظه بشود؛ همچنان كه در قانون هم هست: آن 30 درصدی كه معین شده. البته بعضی از مسئولین دولتی كه با من صحبت كردند، معتقدند كه این 30 درصد مورد نیاز نیست. بعضی از فعالان اقتصادی تولیدی هم گفتند كه ما احتیاج نداریم؛ ما را به خودمان واگذار كنید، خودمان خودمان را اداره ميكنیم. ممكن است در بعضی از بخشها اینجور باشد، لیكن به هر حال تولید احتیاج دارد به كمك و حمایت دستگاه. سهم بخش تولید باید داده بشود؛ بخصوص بعضی از بنگاه‌هایی كه از تحریم صدمه میخورند. بنگاه‌هایی داریم كه این تحریمها به طور مستقیم یا غیر مستقیم به آنها صدمه میزند، كه باید از این معنا استفاده بشود.

البته بخش خصوصی هم در این زمینه وظائفی دارد: صرفه‌جویی در مصرف انرژی، افزایش سطح بهره‌وری، نوسازی ماشین‌آلات. بعضی از مسئولین دولتی پیش من گله كردند و گفتند صاحبان بعضی از صنایع به نوسازی ماشین‌آلات فرسوده و قدیمی خودشان كه بازدهی كم و مصرف انرژی زیادی دارد، رغبتی نشان نمیدهند؛ اگر چنانچه به آنها تسهیلات هم داده میشود، برای این به كار نمیبرند. خب، باید به این مسئله توجه كرد. البته نظارت دولت هم در این زمینه خیلی مهم است؛ یعنی در قبال حمایتی كه دولت ميكند، باید نظارت هم بكنند. تسهیلات داده بشود، آن مقداری كه سهم تولید است؛ لیكن مراقبت بشود كه همان افرادی كه اشاره كردم - یعنی سوءاستفاده كنندگان و فرصت‌طلبان - از این تسهیلات برای يك كار دیگر استفاده نكنند؛ كه این اتفاق افتاده و اطلاع داریم، موارد گوناگونش گزارش شده. باید با این موارد برخورد قاطع انجام بگیرد تا تولید كننده‌ی سالم، صادق، علاقه‌مند به كار و مشتاق تولید بتواند كار خودش را انجام بدهد.

مسئله‌ی دیگر، واردات است؛ كه حالا اینجا هم اشاره شد، من هم بارها با مسئولین در زمینه‌ی واردات صحبت كردم. البته هیچ كس با واردات مخالف نیست؛ تنظیم واردات لازم است، كنترل واردات لازم است. صرف اینکه ما نگذاریم بازار در يك فصلی - مثلاً فصل شب عید - از فلان کالا خالی بماند، خیلی توجیه كاملی برای افزایش واردات نیست. حتماً بایستی در مسئله‌ی واردات ملاحظه‌ی تولید داخلی بشود. البته گفته میشود كه واردات به رقابت‌پذیری تولید داخلی كمك ميكند؛ اگر واردات نباشد، تولیدكننده‌ی داخلی به کیفیت یا به قیمت تمام‌شده اهمیت نمیدهد؛ واردات، او را به این كار وادار ميكند. به نظر من این خیلی منطق قوی‌ای نیست. در این خصوص، با بعضی از مسئولین بحثهایی هم داشتیم.

در مسئله‌ی واردات، بالخصوص اشاره كنم به بخش كشاورزی. به اعتقاد من واردات محصولات كشاورزی خیلی توجیه قوی‌تری می‌خواهد از آنچه كه امروز انسان مشاهده ميكند. ما در بخش كشاورزی تولیدات ممتازی داریم. یکی



از آقایان، اینجا درباره‌ی تولیدات باغی گزارش دادند. کشور ما در این زمینه، از لحاظ کیفیت، جزو ممتازان دنیاست. ما باید بتوانیم تولیداتمان را افزایش بدهیم. این محصولات باغی و محصولات زراعی را صادر کنیم تا دنیا ببینند در ایران چه خبر است؛ نه اینکه مثلاً از آمریکای لاتین و از اینجا و آنجا مشابه آنها را که از لحاظ کیفیت هم خیلی پایین‌ترند، وارد کنیم. غرض، در این مسئله‌ی واردات، من این تأکید را دارم.

مسئله‌ی دیگر هم مسئله‌ی صادرات است. البته دولت وظیفه دارد به صادرات و صادرکننده کمک کند. خوشبختانه - همان طور که یکی از آقایان گزارش دادند - صادرات غیرنفتی رشد خیلی خوبی داشته؛ بعد از این هم رشد بیشتری خواهد داشت؛ انتظار هم داریم که در آینده بتواند رشد متناسب خودش را داشته باشد؛ به طوری که معادله‌ی صادرات و واردات حتماً مثبت باشد. ما باید به اینجا برسیم و بتوانیم خودمان را از درآمد نفت واقعاً بی‌نیاز کنیم. یکی از بزرگترین بلیات اقتصاد ما، و نه فقط اقتصاد ما، بلکه بلیات عمومی کشور، وابستگی ما به درآمد نفت است. من چند سال قبل از این گفتم - البته آن وقت مسئولین دولتی از این حرف هیچ استقبال نکردند - ما باید به جایی برسیم که اگر یک روزی به خاطر قضایای سیاسی، اقتضائات سیاسی، یا اقتضائات اقتصادی در دنیا، اراده کردیم که صادرات خودمان را مثلاً برای مدت پانزده روز یا یک ماه متوقف کنیم، بتوانیم. شما ببینید این کار چه قدرت عظیمی را برای یک کشور تولید کننده‌ی نفت به وجود می‌آورد که یک وقت اگر اراده کرد، بگوید آقا من از امروز تا بیست روز نفت صادر نمیکنم. ببینید چه حادثه‌ای در دنیا به وجود می‌آید. امروز ما نمیتوانیم این کار را بکنیم، چون به این درآمد احتیاج داریم. اگر یک روزی اقتصاد کشور از درآمد نفت و صادرات نفت بریده شود، این توان را ملت ایران و نظام اسلامی در ایران به دست خواهد آورد؛ که تأثیرگذاری‌اش در دنیا فوق‌العاده است. ما باید به اینجا برسیم. خوب، این حمایت میخواهد؛ باید از صادرات حمایت بشود.

از آن طرف هم خود بخش صادرکنندگان و مسئولین این کار وظائفی دارند. همین کشورهایی که اشاره کردند صادرات عمده‌ی ما به این کشورهاست، بازخورد سوء عمل بعضی از صادرکنندگان، اینجا به ما میرسد. ارسال جنس نامرغوب، جنس بد، بسته‌بندی نامطلوب، تأخیر در رساندن، اینها بد است. آن شرکت‌هایی در دنیا موفقند که صد سال است، صد و پنجاه سال است دارند محصول تولید میکنند و توانسته‌اند مشتری را راضی نگه دارند. فرض بفرمائید یک شرکت آلمانی یا یک شرکت سوئیسی از صد و پنجاه سال، صد و شصت سال قبل دارد یک جنسی را تولید میکند و میفرستد و همچنان در کشور ما و کشورهای دیگر مشتری دارد. چرا؟ چون از جنس راضی هستند؛ به وقت میرسد، استحکام لازم را دارد، دوام لازم را دارد، زیبایی لازم را دارد، تنوع و تطور لازم را به تناسب پیشرفت زمان دارد. صادر کننده باید اینها را ملاحظه کند. این احتیاج به یک فرهنگ دارد؛ فرهنگ حسن عمل در تولیدی که میخواهد به خارج از کشور و خارج از مرزها برود.

مسئله‌ی مبارزه با فساد اقتصادی هم خیلی مهم است. البته متأسفانه همیشه اینجور است که مفسد اقتصادی در مرکز دولتی جای پیدا میکند. یعنی یک کسی را پیدا میکند که به او کمک کند، به او پاس بدهد، تا او آبشار بزند. تا کسی در داخل حصار نباشد که به آن متجاوز کمک کند، آن متجاوز نمیتواند فساد اقتصادی بکند. لذا مسئولین دولتی موظفند نسبت به بروز و نفوذ فساد اقتصادی در دستگاه‌های دولتی بشدت حساس باشند. شما وقتی که مثلاً در صنعت دامداری کشور یک نمونه‌ای را پیدا کردید که نشان داد فلان بیماری وارد این مرغداری شده، دیگر رحم نمیکنید؛ چون میدانید اگر چنانچه ملاحظه کردید، ضایعات منحصر به این چند هزار مرغ نخواهد بود؛ دامنه‌اش وسیع خواهد شد؛ لذا بی‌ملاحظه نابود میکنید، محو میکنید. فساد اینجوری است. اگر یک جا احساس کردید و دیدید در دستگاه‌های دولتی - این، مخاطبش مسئولین دولتی هستند - شائبه‌ی فساد وجود دارد، نباید هیچ ملاحظه بکنید. اگر ملاحظه کردید، این مسئله خیلی سریع گسترش پیدا میکند؛ چون بشدت واگیردار است. بیماری فساد اقتصادی جزو آن بیماری‌های واگیردار بسیار شدید و سریع است؛ لذا بایستی حتماً به این مسئله توجه کرد.



یکی از چیزهایی هم که خیلی لازم است، مسئله‌ی برنامه‌ی جامع برای رشد بخش تعاون است؛ که ما در همین سیاستهای اصل 44 روی مسئله‌ی تعاون تکیه کردیم و این باید انجام بگیرد. ما یک سیاست جامع کاملی در زمینه‌ی بخش تعاون لازم داریم. حالا همینی هم که یکی از آقایان گفتند اصناف خرد بتوانند از تسهیلات بانکی استفاده کنند و چه و چه، در سایه‌ی تعاون کاملاً امکان‌پذیر است؛ یعنی بهترین راهش ایجاد تعاونی‌هاست؛ تعاونی‌های منطقی، معقول، قانونی، سالم و قوی. در این صورت میتوانند از امکانات و تسهیلات بهره‌برداری و استفاده کنند؛ و این کار میشود.

یک نکته‌ی اصلی دیگر همین است که ما معرفی فرصتهای سرمایه‌گذاری کشور به بخش خصوصی را بایستی جدی بگیریم. یعنی بایستی فعالان بخش خصوصی بدانند فرصتهای سرمایه‌گذاری کجاست، کدام‌هاست؛ همه مطلع باشند، استفاده‌های ویژه‌خوارانه نشود. محصور بودن اطلاعات، محدود بودن اطلاعات به بعضی از افراد، دون بعضی، موجب ویژه‌خواری‌های عجیبی میشود؛ که گاهی ثروتهای بادآورده‌ی یک‌شبه را برای افرادی که سوء استفاده‌چی هستند، فراهم میکند؛ به خاطر اینکه اطلاع دارند که بناست فلان کالا بیاید، فلان کالا تولید بشود، فلان کالا جلوی گرفتار بشود، قیمت فلان کالا بالا برود یا پائین بیاید، یا فلان قانون تصویب بشود. اینهایی که مطلعند، سوء استفاده میکنند. اطلاعات باید عمومی بشود. باید شفاف‌سازی اطلاعات صورت بگیرد. البته این در دولتهای قبل مطرح بود، در دولت نهم و دهم هم فعالیت‌هایی انجام گرفته؛ لیکن کافی نیست. بایستی در این زمینه کار بیشتری انجام بگیرد. خب، من نکات دیگری هم اینجا یادداشت کرده‌ام که دیگر چون تقریباً وقت اذان است، از آنها می‌گذرم. امیدوارم ان‌شاءالله این جلسه موجب این بشود که آن کسانی که در دلشان عشق به کشور و ملت و نظام جمهوری اسلامی و آینده‌ی این ملت هست، در عرصه‌ی فعالیت اقتصادی حضور خودشان را جدی‌تر کنند؛ ان‌شاءالله فعالیت را هوشمندانه و هدفدار مضاعف کنند. این شعار «همت مضاعف و کار مضاعف» که سال گذشته عرض کردیم، امسال هم باید در کنار مسئله‌ی «جهاد اقتصادی» مورد توجه قرار بگیرد. ان‌شاءالله همه تلاش کنند، همه کار کنند. آینده‌ی کشور، آینده‌ی خوبی است. ظرفیتهای کشور، ظرفیتهای فوق‌العاده و بی‌نظیری است. الحمدلله دلهای خوب، ایمانهای خوب، همتهای خوب، دستیهای توانای خوب، چشمهای بینای خوب در کشور فراوان است. این کشور شأنش خیلی بالاتر از این است که به عنوان یک کشور درجه‌ی دوم در دنیا محسوب شود. این کشور باید در سطح بالای کشورها و ملتها قرار داشته باشد. سابقه‌ی تاریخی ما، میراث فرهنگی ما، توانائی‌های مردمی ما، ظرفیتهای طبیعی ما، همه به ما این را املاء و دیکته میکنند. ما بایستی اینجوری حرکت کنیم و ان‌شاءالله به اینجاها برسیم و به امید خدا خواهیم رسید.

والسلام علیکم ورحمةالله